

۲
ایران

خواب جدید چپ

سوء استفاده پوپولیست‌ها از عدالت و معیشت

۴
یاد

هجرت ابدی

نعمت میرزازاده درگذشت

۵
تماشا

حاشیه علیه متن

صف‌بندی علیه جشنواره فیلم فجر

۶
کوچه

معیشت خاکسترشده

آتش سوزی بازارچه جنت‌آباد

در انتظار دود سفید

اولین جلسه مذاکره ایران و آمریکا پس از ۸ ماه بی‌اعتمادی در عمان برگزار شد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا دیروز در مسقط، پایتخت عمان برگزار شد و پس از ساعت‌ها گفت‌وگوی فشرده پایان یافت.

این دور از مذاکرات، پس از ماه‌ها تنش، تعویق و گمانه‌زنی، بالاخره اجرایی شد و به یکی از سرنوشت‌سازترین لحظات در روابط تهران و واشنگتن تبدیل شد. ساعاتی پیش از آغاز جلسه، خبر لغو مذاکرات منتشر شده بود و بسیاری از مردم ایران تصور کردند که پرونده گفت‌وگوها

برای همیشه بسته شده است اما فشار دیپلماتیک ۹ کشور منطقه و میانجی‌گری عمان باعث شد که این نشست برگزار شود و دیروز، نمایندگان دو طرف پشت میز مذاکرات قرار گیرند. انتخاب عمان به‌عنوان میزبان نشست، هرچند در ظاهر تصمیمی فنی و دیپلماتیک به‌نظر

می‌رسد، حامل پیام‌های سیاسی روشن و مهمی بود. جمهوری اسلامی حساسیت بالایی نسبت به چارچوب و قالب مذاکرات دارد و نمی‌خواست گفت‌وگو با آمریکا در بستری چندجانبه یا منطقه‌ای برگزار شود.

ادامه در صفحه ۳



سرمقاله

نوسازی نظام حکمرانی

در باره ضرورت بازتعریف رابطه نظام با جامعه، تقویت جمهوریّت، انکا به رأی مردم و توجه به خواست آنان

سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران



اعتراضات اخیر، اگرچه در ظاهر فروکش کرده اما به‌هیچ‌وجه پایان نیافته است. آنچه امروز در لایه‌های زیرین جامعه جریان دارد، خشم خفته و بغضی اثبات‌شده است که ریشه اصلی آن را باید در شکاف عمیق میان نظام رسمی کشور و متن جامعه جست‌وجو کرد. این شکاف صرفاً سیاسی نیست بلکه در سطوح عمیق‌تری چون سبک زندگی، فرهنگ، موسیقی، سلوک اجتماعی، علایق نسل جدید، نوع دینداری و حتی شیوه ارتباط جامعه با جهان خود را نشان می‌دهد. آنچه در ساختار حکمرانی بازنمایی می‌شود، دیگر با واقعیت زیسته بخش بزرگی از جامعه هم‌خوانی ندارد.

جمهوری اسلامی بر پایه اعتقادات و مطالبات اکثریت مردم دهه ۶۰ شکل گرفت؛ دهه‌ای که حدود ۸۰ درصد جامعه با نظام همراه بود. مردم و حکومت خواسته‌های مشترک داشتند، یک‌جور فکر می‌کردند و از فرهنگ و منش اجتماعی نسبتاً واحدی پیروی می‌کردند. در آن دوره، چه در اعزام به جبهه، چه در شعارهای جنگ و چه در تشییع پیکر شهدا، هم‌سویی روشنی میان جامعه و حاکمیت وجود داشت. اما جامعه ایران در چهار دهه گذشته تغییر کرده است. نسل‌های جدید با تجربه‌های زیسته، ارتباطات جهانی و ارزش‌های متفاوتی رشد کرده‌اند و دیگر نمی‌توان آنها را با ادبیات، ابزارها و الگوهای دهه ۶۰ مدیریت کرد.

مسئله اصلی اینجاست که جمهوری اسلامی این تغییر را به‌درستی به رسمیت نشناخته و همین امر به یکی از ریشه‌های اصلی بحران‌های امروز تبدیل شده است. جوانی که با ادبیات رسمی حکومت ارتباط برقرار نمی‌کند، از محتوای رسانه ملی لذت نمی‌برد و سبک موسیقی، پوشش و زندگی‌اش با آنچه ترویج می‌شود فاصله دارد به‌تدریج دچار نوعی خشم پنهان می‌شود؛ خشمی که الزاماً هر روز بروز نمی‌کند اما در بزنگاه‌ها خود را نشان می‌دهد. این خشم در سال ۱۳۸۸ در قالبی مدنی و در اعتراض به نتایج اعلام‌شده انتخابات بروز کرد. اعتراضات در ابتدا مسالمت‌آمیز بود اما در ادامه، به‌ویژه در وقایع عاشورا به خشونت گرایید. این خشم در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و در سال ۱۴۰۱ در پی کشته شدن ژینا به اشکال دیگری خود را نشان داد و در دی‌ماه ۱۴۰۴ بار دیگر با صورتی متفاوت و گسترده‌تر ظاهر شد.

اما در حوادث اخیر، عوامل متعددی نقش داشته‌اند: شکاف سیاسی و فرهنگی، نارضایتی اقتصادی، بیکاری، افزایش شدید قیمت‌ها، تحرکات خارجی، پیام‌ها و وعده‌های نیروهای بیرونی همچنین خشونت بخشی از معترضان و نیروهای عمل‌کننده. گستره جغرافیایی اعتراضات که حدود دوسوم کشور را دربر گرفت و شدت خشونت از هر دو سو، این دوره را به رخدادی متفاوت و بسیار پرهزینه تبدیل کرد؛ رخدادی که آثار اجتماعی و روانی آن به‌سادگی ترمیم نخواهد شد. در این چارچوب تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب، اقدامی مثبت است اما تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که این کمیته‌ها با ترکیبی علمی، مستقل و شجاعانه عمل کرده و بدون رودربایستی، نتایج خود را منتشر کنند. بخشی از منشأ تحریک بحران نیز به تصمیمات غلط دولت بازمی‌گردد. آزادسازی کالاهای اساسی در بدترین شرایط اقتصادی مردم و چند برابر شدن قیمت مواد غذایی، تصمیمی اشتباه و تحریک‌کننده بود.

ادامه در صفحه ۲

ادامه سرمقاله

نوسازی نظام حکمرانی

نهادهای مسئول نیز نتوانستند، پیش‌بینی دقیقی از پیامدها داشته باشند. تا ساعت ۷ شب روز هجدهم دی‌ماه، جلسات شورای‌عالی امنیت ملی برگزار شد اما هیچ اطلاع‌دقیقی از دامنه اعتراضات و شدت خشونت‌ها در دست نبود. از ساعت ۸ شب ابعاد وسیع اعتراضات و آتش‌سوزی‌ها مشخص شد و از ساعت ۹ شب به بعد نیروها وارد عمل شدند؛ اما اقدامات انجام شده توانست، پیشگیری لازم را فراهم کند و تدابیر اتخاذشده ناکافی بود. شورای امنیت کشور، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، سپاه و رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای‌عالی امنیت ملی در این زمینه مسئولیت سنگینی دارند. با یک پیش‌بینی واقع‌بینانه، می‌شد از بروز تشنج‌های سنگین جلوگیری کرد.

هر نظام حکومتی می‌تواند اعتراضات را، با خسارت کم یا زیاد، مهار کند؛ اما مسئله اصلی میزان هزینه‌ای است که برای این مهار پرداخت می‌شود. در این دوره، هزینه‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای بالا بوده است. حتی آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد که تعداد جان‌باختگان رقم کوچکی نیست. هر یک از این افراد خانواده‌ای دارند و هر جان از دست‌رفته، خود به تولید ناآرامی‌ها، خشم‌ها و بغض‌های تازه منجر می‌شود. نقش دشمنان خارجی و گروه‌های معاند را نمی‌توان نادیده گرفت اما در عین حال نمی‌توان همه معترضان را ضدانقلاب یا بیگانه‌پرست دانست. بسیاری از آنها منتقد جمهوری اسلامی هستند، حتی ممکن است آن را قبول نداشته باشند اما شهروند این کشور هستند و نسبت دادن همه مسائل به عوامل خارجی، مسئولیت‌مدیران داخلی را کاهش نمی‌دهد. اگر یارگیری خارجی یا ورود سلاح به کشور رخ داده است، این خود نشانه ضعف در عملکرد نهادهای امنیتی است.

بنابراین به رسمیت شناختن اعتراضات کافی نیست؛ مسئله باید حل شود. کشور را نمی‌توان صرفاً با بازداشت، برخورد امنیتی و قضایی اداره کرد. اداره کشور نیازمند علم، فکر، تدبیر و هماهنگی فرهنگی و فکری میان مردم و حاکمیت است. دخالت گسترده در زندگی شخصی مردم، توسعه‌نیافتگی، فقر، بیکاری، مهاجرت نخبگان و مقایسه ایران با کشورهای منطقه همگی به افزایش ناراضایی دامن زده‌اند. اعتراضاتی که گرچه فروکش کرده‌اند اما مانند آتش زیر خاکستر باقی مانده‌اند و با توجه به نزدیک‌تر شدن فاصله زمانی اعتراضات و افزایش سطح خشونت، احتمال بروز دوباره آنها جدی است. راه اصلاح نیز نوسازی جمهوری اسلامی با تقویت جمهوریت، اتکا به رأی مردم و رعایت قوانین اسلام است؛ به‌گونه‌ای که اکثریت جامعه بتوانند با نظام سیاسی زندگی کنند، به آن اعتماد داشته باشند و از توسعه، عدالت و رفاه بهره‌مند شوند. در چارچوب قانون اساسی یا در صورت لزوم با اصلاح آن باید مصالح ملت تأمین شود و هیچ قانونی نباید مانع منافع عمومی شود.

با این حال، مسئله مهم‌تر، بی‌تفاوتی نسبت به شکاف میان مردم و حکومت است. ترمیم این گسست، هدایت جامعه به سمت وفای و استفاده از فرصت‌های همبستگی ملی، ضرورتی انکارناپذیر است. استفاده نکردن از فرصت وحدت پس از جنگ ۱۲روزه، انجام ندادن حتی اصلاحات حداقلی در نهادهایی مانند صداوسیما و نادیده گرفتن مطالبات عمومی، نشان‌دهنده ناتوانی در درک جامعه است. راه برورفت از این وضعیت، تطبیق جمهوری اسلامی با ادبیات و مطالبات اکثریت جامعه امروز و آغاز اصلاحات گسترده و واقعی است؛ اصلاحاتی که در نهایت نظام جمهوری اسلامی را با خواسته‌های دست کم ۷۰ درصد جامعه امروز سازگار کند. اداره کشوری با شکاف عمیق میان مردم و حاکمیت اگرچه ممکن اما بسیار پرهزینه است و نه به‌نفع کشور است و نه به‌نفع دین. در عین حال، نمی‌توان از خشونت‌هایی که بخشی از معترضان علیه نمادهای دینی و حتی با تخریب و آتش زدن مساجد انجام دادند، چشم پوشید. این رفتارها قابل دفاع نیستند اما نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن اصل اعتراض و ریشه‌های آن شود.

در این میان، یکی از موانع اصلی اصلاحات، ضعف ساختاری دولت‌هاست. رؤسای جمهور معمولاً با وعده اصلاحات رأی می‌گیرند اما پس از استقرار یا وعده‌ها را فراموش می‌کنند یا با مقاومت نهادهایی مواجه می‌شوند که ثبات و قدرتشان بیش از دولت است. نهادهایی مانند قوه قضائیه، سپاه، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و شورای‌عالی فضای مجازی، اگرچه دولت در آنها حضور دارد اما در کنترل دولت نیستند. برای تحقق اصلاحات واقعی باید به سمتی حرکت کرد که رئیس‌جمهور منتخب مردم و دولت منبعث از او قدرت اصلی اجرایی کشور باشند تا بتوانند، وعده‌های داده شده به مردم را عملی کنند. در همین چارچوب، پزشکيان اگرچه با کاهش حمایت اجتماعی مواجه شده اما همچنان ظرفیت بازآفرینی دارد. اگر پای مصالح کشور بایستد و بتواند هماهنگی میان نظام و گرایش‌های امروز جامعه را تقویت کند، امکان بازگشت محبوبیت و تبدیل شدن به یکی از چهره‌های اثرگذار و مقبول کشور برای او وجود دارد.

خواب جدید چپ

پوپولیست‌ها چگونه از عدالت و معیشت سوءاستفاده می‌کنند؟



سعید مشهوری

خبرنگار سازش‌گی

یکی از بحث‌برانگیزترین نشست‌های چند ماه اخیر، همایشی با عنوان «عدالت، معیشت، ایران» بود؛ نشست‌ی که پیش از محتوای مطرح شده، ترکیب سخنرانان آن جلب‌توجه می‌کرد. هرچند بخش عمده مباحث ارائه شده در این همایش، تکرار گزاره‌ها و تحلیل‌هایی بود که طی سال‌های گذشته بارها شنیده و آزموده شده‌اند، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفت، اتحاد فکری و ایدئولوژیک افرادی بود که در شرایط عادی دور یک میز نمی‌نشستند. ازجمله سخنرانان این برنامه می‌توان به فرشاد مومنی، پیژن عبدالکریمی، محمدرضا یزدی‌زاده، حسین صمصامی، حسین راغفر، سیدباسر جبرائیلی، احسان فرزانه، علیرضا میرغفاری، مجیدرضا حریری، حسن سبحانی و سیدمحمد بحرینیان اشاره کرد. چهره‌هایی که با وجود تفاوت در پیشینه‌های فردی و حرفه‌ای، همگی را می‌توان ذیل گرایش‌های مختلف جریان چپ دسته‌بندی کرد.

فرشاد مومنی از چپ‌های سابق است که امروز خود را نهادگرا معرفی می‌کند و در دولت میرحسین موسوی مشاور بوده است. بیژن عبدالکریمی روشنفکری با گرایش آشکار چپ‌گرایانه است که اظهارنظرهای اخیرش به‌شدت جنجالی بوده. حسین صمصامی را می‌توان در زمره چپ‌های اسلامی قرار داد که زمانی در دولت محمود احمدی‌نژاد، سرپرست وزارت اقتصاد بوده است. سیدباسر جبرائیلی نیز که به‌تازگی حزبی تأسیس کرده، از منظر فکری به جریان چپ پوپولیست نزدیک است. حسن سبحانی، نماینده سابق مجلس، همواره به‌عنوان یکی از اقتصاددانان چپ‌گرا شناخته شده و در موضوعاتی چون تثبیت قیمت‌ها و مخالفت با استراتژی توسعه صنعتی، نقش پررنگی داشته است. مجیدرضا حریری که در سال‌های اخیر در رقابت‌های انتخاباتی اتاق تهران ناکام مانده به‌واسطه فعالیت در اتاق ایران و چین، مدافع گسترش روابط اقتصادی با این کشور است. سیدمحمد بحرینیان، دیگر چهره حاضر در همایش به «کارخانه‌دار کمونیست» شهرت دارد و محمدرضا یزدی‌زاده که در حوزه واردات لوازم آرایشی فعالیت می‌کند، همواره از سیاست نرخ پرخ ارز دفاع کرده است. منرخ مشترک همه این افراد این است که در سال‌های گذشته بارها علیه علم اقتصاد موضع گرفته‌اند، اقتصاددانان طرفدار اقتصاد آزاد را آماج حمله قرار داده‌اند، در ترویج شبه‌علم نقش داشته‌اند و از سیاست‌هایی دفاع کرده‌اند که در تعارض آشکار با اصول پذیرفته‌شده علم اقتصاد قرار دارد.

نکته قابل تأمل آن است که با وجود تفاوت‌های ظاهری در سوابق سیاسی و حرفه‌ای این چهره‌ها، خروجی فکری آنها در بزنگاه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی همواره به نسخه‌هایی مشابه ختم شده است. به دولت بزرگ‌تر، قیمت‌گذاری دستوری، سرکوب نرخ ارز، بی‌اعتمادی به سازوکار بازار و نادیده گرفتن تجربه‌های موفق جهانی، نسخه‌هایی که

حاشیه

مواجهه سنت و اخلاق

ضرورت هماهنگی ارزش‌های دینی با واقعیت‌های انسانی و فرهنگی جامعه

گروه سیاسی: پس از اینکه آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله بیات زنجانی، دو چهره شناخته‌شده مذهبی در قم، اعلام کردند که امسال جشن نیمه شعبان را برگزار نخواهد کرد و دلیل‌شان را همدردی با خانواده‌هایی که اخیراً داغدار شده‌اند و نیز احترام به شرایط روحی و اجتماعی جامعه اعلام کردند، محمد کرباسی، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان قم با لحنی انتقادی و طعنه‌آمیز به این اطلاعیه واکنش نشان داد و تلاش کرد، دلیل انسانی و همدلی‌آمیز این دو چهره مطرح را کم‌اهمیت جلوه دهد و بر اهمیت برگزاری آیین مذهبی تأکید کرد.

این درحالی است که تصمیم آنها نشان‌دهنده رویکردی انسانی

نم‌تها طی دهه‌های گذشته بارها آزموده و شکست خورده‌اند بلکه سهم قابل‌توجهی در شکل‌گیری وضعیت کنونی اقتصاد ایران داشته‌اند.

این افراد درحالی‌خود را مدافع «عدالت» و «معیشت» معرفی می‌کنند که نشانی روشن از پذیرش مسئولیت نتایج سیاست‌های مورد حمایت‌شان در گذشته دیده نمی‌شود. تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، فرار سرمایه، تضعیف تولید رقابت‌پذیر و گسترش رانت همگی پیامد سیاست‌هایی است که همین جریان فکری سال‌ها از آنها حمایت کرده و منتقدانش را با برچسب‌های ایدئولوژیک از میدان به‌در کرده است. به‌طور مشخص، عدالت یکی از مفاهیمی است که این گروه در سال‌های مختلف با استفاده از آن علیه آزادی و رقابت فعالیت کرده‌اند. این مفهوم که در کشور ما همواره بار ارزشی بالایی داشته، به‌راحتی می‌تواند به دستاویزی برای گروه‌های سیاسی تبدیل شود. تقریباً هیچ جریان سیاسی را نمی‌توان یافت که آشکارا با «عدالت» مخالفت کند؛ اختلاف‌ها نه بر سر اصل عدالت بلکه بر سر تعریف، مصادق و شیوه تحقق آن شکل می‌گیرد. همین ابهام مفهومی، امکان سوء استفاده سیاسی از عدالت را فراهم می‌کند. گروه‌های سیاسی معمولاً عدالت را نه به‌عنوان یک مفهوم دقیق و قابل سنجش بلکه به‌مثابه شعاری کلی و احساسی به‌کار می‌گیرند. در چنین رویکردی، عدالت به ابزاری برای بسیج افکار عمومی بدل می‌شود که می‌تواند، ناراضی‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌نفع یک گفتمان خاص کانالیزه کند، بدون آنکه الزامی برای ارائه راه‌حل‌های مشخص و مبتنی بر شواهد وجود داشته باشد.

به‌عنوان مثال، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های دستاویز قرار دادن عدالت، تقلیل آن به توزیع فوری منابع یا تثبیت دستوری قیمت‌هاست. در این چارچوب، سیاست‌هایی که در ظاهر به‌نفع اقشار ضعیف معرفی می‌شوند، بدون توجه به پیامدهای بلندمدت اقتصادی و اجتماعی اجرا یا تبلیغ می‌شوند. عدالت در اینجا نه به معنای برابری فرصت‌ها یا ایجاد سازوکارهای پایدار بلکه به‌عنوان پوششی برای تصمیم‌های کوتاه‌مدت و پوپولیستی عمل می‌کند.

از سوی دیگر، برخی جریان‌ها با مصادره مفهوم عدالت، هرگونه نقد کارشناسی را به مخالفت یا عدالت تعبیر می‌کنند. منتقدان سیاست‌های اقتصادی یا اجتماعی به‌جای آنکه وارد گفت‌وگوی علمی شوند یا برچسب‌هایی چون «ضدعدالت»، «حامی سرمایه‌داری» یا «بی‌توجه به محرومان» از میدان بحث خارج می‌شوند. در چنین فضایی، عدالت از یک معیار ارزیابی سیاست‌ها به ابزاری برای حذف رقیب فکری تبدیل می‌شود.

به عقیده اقتصاددانان، زمانی که عدالت به شعار سیاسی تقلیل می‌یابد، خود این مفهوم نیز قربانی می‌شود. بی‌اعتنایی به کارنامه گذشته سیاست‌ها، نادیده گرفتن هزینه‌ها و فقدان پاسخگویی، باعث می‌شود عدالت به مفهومی تهی و مصرف‌بدل بدل شود؛ مفهومی که بیش از آنکه به بهبود واقعی زندگی مردم کمک کند، در خدمت رقابت‌های سیاسی و تثبیت قدرت قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر وقتی معیشت مردم به‌طور مستمر دچار فشار می‌شود و سطح زندگی کاهش می‌یابد، جامعه وارد وضعیتی از ناامنی اقتصادی می‌شود که در آن آینده نامطمئن، ترس از فقر و احساس بی‌عدالتی گسترش می‌یابد. در چنین فضایی، افراد بیش از آنکه به تحلیل‌های پیچیده و راه‌حل‌های بلندمدت توجه کنند به‌دنبال پاسخ‌های فوری و ساده برای مشکلات روزمره خود هستند؛ وضعیتی که بستر مناسبی برای ظهور پوپولیسم فراهم می‌کند.

جریان‌های پوپولیستی معمولاً با ارائه روایت‌های ساده‌شده از مسائل پیچیده اقتصادی شکل می‌گیرد. تورم، بیکاری یا کاهش قدرت خرید نه به‌عنوان پدیده‌هایی چندعلتی بلکه به‌عنوان نتیجه مستقیم عملکرد یک گروه خاص، یک سیاست مشخص یا حتی یک «دشمن» معرفی می‌شوند. این روایت‌ها در شرایط فشار معیشتی جذاب‌تر می‌شوند زیرا خشم و ناراضی‌ای انباشته‌شده را به سمت مقصران مشخص هدایت می‌کنند و احساس کنترل و فهم وضعیت را به مخاطب بازمی‌گردانند. از سوی دیگر، وضعیت بد معیشت مردم، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و کارشناسی را تضعیف می‌کند. وقتی وعده‌های گذشته تحقق نیافته و سیاست‌های اقتصادی نتیجه ملموسی در زندگی مردم نداشته‌اند، فضا برای بی‌اعتبار کردن تخصص و علم فراهم می‌شود. در این شرایط، پوپولیست‌ها با حمله به «نخبگان»، «کارشناسان» یا «ساختارها» و وعده راه‌حل‌های سریع و بدون هزینه، خود را صدای مردم معرفی می‌کنند. فشار اقتصادی همچنین تمایل به پذیرش سیاست‌های کوتاه‌مدت و پرهزینه را افزایش می‌دهد. در شرایط معیشتی دشوار، وعده‌هایی مانند تثبیت قیمت‌ها، توزیع مستقیم منابع یا افزایش فوری درآمد، حتی اگر پایدار نباشند، جذابیت پیدا می‌کنند. پوپولیسم دقیقاً از همین نقطه تغذیه می‌کند. ترجیح تسکین موقت بر اصلاحات ساختاری، و جایگزین کردن امید کوتاه‌مدت به‌جای چشم‌انداز بلندمدت، به این ترتیب تداوم معیشت نامطلوب چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند؛ سیاست‌های پوپولیستی که در واکنش به فشار اقتصادی شکل می‌گیرند، خود به تشدید بحران‌های اقتصادی منجر می‌شوند و دوباره زمینه را برای ظهور پوپولیسم بیشتر فراهم می‌کنند. به این ترتیب، معیشت بد نه‌تنها پیامد سیاست‌های نادرست است بلکه به یکی از مهم‌ترین عوامل بازتولید آنها نیز تبدیل می‌شود.

همایش «عدالت، معیشت، ایران» بیش از آنکه نویددهنده راه‌حل‌های تازه باشد، یادآور یک واقعیت قدیمی است. اینکه بحران اقتصادی ایران بیش از آنکه ناشی از کمبود ایده باشد، محصول اصرار بر ایده‌های نادرست است. ایده‌هایی که هزینه‌های سنگین آنها بارها از جیب مردم پرداخت شده اما طراحان و مرجان‌شان همچنان بدون پاسخگویی در جایگاه نسخه‌پیچ باقی مانده‌اند. اگر قرار است گفت‌وگوی جدی درباره عدالت و معیشت شکل بگیرد، این گفت‌وگو بدون پذیرش علم اقتصاد، بدون شفافیت درباره کارنامه گذشته و بدون حضور دیدگاه‌های متنوع، چیزی جز تکرار دور باطل سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران نخواهد بود.

شناخته‌شده‌ای در گفت‌وگوهای کلان فقهی یا اجتماعی داشته باشد اما به‌نظر می‌رسد با حمله لفظی به دو چهره برجسته، در پی دیده شدن و مطرح کردن خود در فضای رسانه‌ای است. انتقاد دیگر به کرباسی این است که او نه‌تنها به حساسیت‌های اجتماعی و انسانی توجه نکرده بلکه با لحنی طعنه‌آمیز، ارزش همدلی و احترام به داغدیدگان را به حاشیه رانده است. این درحالی است که آیین‌های مذهبی، به‌ویژه جشن‌های معنوی مانند نیمه شعبان، می‌توانند با انعطاف و حساسیت اجتماعی هماهنگ شوند و پیام‌های انسانی و اخلاقی را تقویت کنند. از سوی دیگر، ستادی که کرباسی نمایندگی آن را بر عهده دارد، در سال‌های اخیر به‌جای کاهش تنش‌های اجتماعی در مواردی به تشدید ناراضی‌تها و خشم عمومی متهم بوده است. درنهایت، این ماجرا یادآور اهمیت تطبیق ارزش‌های دینی با واقعیت‌های انسانی و فرهنگی جامعه امروز ایران است به‌ویژه در شرایطی که همدلی و اخلاق‌مداری بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارند.



آماده گفت‌وگو

پیشنهاد کوبا به آمریکا برای مذاکرات دو کشور

گروه بین‌الملل: میگل دیاز کانسل، رئیس‌جمهوری کوبا، روز پنج‌شنبه اعلام کرد که دولت‌اش آماده تعامل با دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکاست، هرچند شرایط کشورش بحرانی است و جزیره کمونیستی در آستانه کمبود شدید سوخت قرار دارد. دیاز کانل تأکید کرد هرگونه گفت‌وگو باید بدون پیش‌شرط و از موضع برابر انجام و به حاکمیت کوبا احترام گذاشته شود و صریحاً اعلام کرد: «تسلیم شدن از گزینه‌های کوبا نیست». این کنفرانس خبری کم‌سابقه، که بیش از دو ساعت به طول انجامید، تنها چند روز پس از آن برگزار شد که آمریکا، کوبا را به دلیل روابط‌اش با روسیه، چین و ایران تهدیدی غیرمعمول و فوق‌العاده معرفی کرد.

از ماه گذشته میلادی پس از دستگیری نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا توسط نیروهای آمریکایی، واشنگتن تلاش کرده جریان نفتی که زندگی اقتصادی کوبا را تأمین می‌کند، قطع کند. دیاز کانل در این نشست گفت که کوبا هیچ تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی‌شود و در عین حال واشنگتن را بزرگ‌ترین خطر برای امنیت جهانی خواند. او افزود: «ما در وضعیت جنگ قرار نداریم اما در حال آماده‌سازی خود هستیم تا در صورت نیاز وارد حالت جنگی

شویم». در همین حال، دولت ترامپ تلاش می‌کند از طریق افراد نزدیک به دولت کوبا، راهی برای دستیابی به توافقی که بتواند رژیم کمونیستی را تا پایان سال جاری تضعیف کند، پیدا کند. ترامپ با وجود عدم ارائه جزئیات، اظهار کرده که «لازم نیست این یک بحران انسانی باشد» و پیش‌بینی کرده که کوبا احتمالاً برای مذاکره مراجعه خواهد کرد. موتور اصلی راهبرد ایالات متحده علیه کوبا، «خفه‌سازی انرژی» است. پس از عملیات نظامی ژانویه ۲۰۲۶ که منجر به سرنگونی مادورو در ونزوئلا شد، کوبا منبع اصلی نفت یارانه‌ای خود را از دست داد، منبعی که بیش از دو دهه ستون فقرات بقای حکومت این جزیره بود. در ۲۹ ژانویه، ترامپ با امضای فرمان اجرایی ۱۴۳۸۰ فشار را بیشتر کرد و با اعلام «وضعیت اضطراری ملی» در قبال کوبا، سازوکاری موسوم به «محاصره مبتنی بر تعرفه» را معرفی کرد. این فرمان به آمریکا اجازه می‌دهد بر هر کشور ثالثی که به هاوانا نفت عرضه کند، عوارض سنگینی وضع کند. این اقدام عملاً مکزیک را هدف قرار داده و شرکای تجاری آمریکا را در موقعیتی قرار داده که باید میان بازار انرژی کوبا و دسترسی به اقتصاد ایالات متحده یکی را انتخاب کنند.

ادامه تیتربک

در انتظار دود سفید

کشورهایی مانند ترکیه یا قطر به دلیل نقش فعال در معادلات منطقه و روابط گسترده با بازیگران مختلف، ظرفیت تبدیل نشست به یک نمایش چندجانبه را داشتند و چنین وضعیتی می‌توانست، ایران را از جایگاه بازیگر اصلی خارج کرده و تصویر تصمیم‌سازی دیگران را بر ذهن افکار عمومی تحمیل کند. همچنین تجربه‌های پیشین نشان داده که آمریکا معمولاً مایل است، دامنه مذاکرات را فراتر از پرونده هسته‌ای برده و موضوعات منطقه‌ای، برنامه موشکی و شبکه نیروهای نیابتی ایران را نیز وارد دستورکار کند. عمان به جمهوری اسلامی این امکان را داد که دامنه مذاکرات را محدود نگه داشته و از باز شدن پرونده‌های جدید و پرهزینه جلوگیری کند.

مسائل داخلی نیز نقش مهمی در انتخاب عمان داشت. مذاکره با آمریکا، به‌ویژه در شرایط تنش‌زا، برای نظام هزینه سیاسی دارد و هرگونه نمایش پررنگ رسانه‌ای می‌تواند فشار داخلی را افزایش دهد. عمان، کشوری کم‌حاشیه و کم‌صدا در رسانه‌های منطقه این امکان را فراهم کرد که ایران روایت مذاکرات را کنترل کند و آن را محدود، تاکتیکی و غیرنمایشی معرفی نماید. گذشته از این، عمان سابقه میانجی‌گری دارد اما معمولاً از ایفای نقش فعال سیاسی و تولید پیام مستقل پرهیز می‌کند بنابراین در صورت شکست احتمالی مذاکرات، ریسک سیاسی برای تهران به حداقل می‌رسید. در واقع، انتقال مذاکرات به عمان نه نشانه خوش‌بینی مطلق بلکه تلاشی برای مهار هزینه‌های احتمالی و حفظ کنترل بر پیامدهای سیاسی بود.

اما این نشست، صحنه‌ای حساس و غیرمعمول را رقم زد. هیأت آمریکایی به ریاست استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا و نزدیک به دونالد ترامپ در کنار جرد کوشنر، معمار توافقاتی ابراهیم، نشان‌دهنده حرکت به سمت دیپلماسی شخصی و معامله‌محور بود که مستقیماً از کاخ سفید هدایت می‌شد. در سوی مقابل، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، دیپلماتی باتجربه به پرونده هسته‌ای با حساسیت بالا در این مقطع تاریخی جمهوری اسلامی نقش‌آفرینی کرد. شاید برجسته‌ترین چهره حاضر، دریادارد برد کوپر، فرمانده سنتکام بود که حضورش در میز مذاکره، نشانه‌ای از استفاده از «دیپلماسی قهری» بود. پیام آشکار این بود که جایگزین توافق صرفاً تداوم وضع موجود نیست بلکه گزینه‌ای نظامی و عملیاتی در دست بررسی است. این پیام با استقرار گسترده نیروی دریایی آمریکا در دریای عرب و صدور دستور «فوراً ایران را ترک کنید» برای شهروندان آمریکایی در ایران تقویت شده بود. دیروز جمعه مذاکرات به‌صورت غیرمستقیم و از طریق

اتاق‌های جداگانه ادامه یافت و وزیر خارجه عمان، سید بدر البوسعیدی، میان طرفین رفت‌وآمد کرد تا شکاف موجود را کاهش دهد. نقطه اصلی اختلاف، دامنه دستورکار بود. عراقچی تأکید داشت که گفت‌وگوها باید محدود به پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها باشد اما تیم آمریکایی با اتکا به چارچوب «فشار حداکثری» خواستار توافقی بزرگ‌تر بود که برنامه موشک‌های بالستیک و شبکه‌های نیابتی ایران را نیز شامل شود. حضور کوشنر نشان می‌داد که آمریکا احتمالاً گزینه‌ای برای عادی‌سازی روابط یا ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان «هویج» روی میز گذاشته درحالی که حضور دریادار کوپر، نقش «چماق» را ایفا می‌کرد.

زمان‌بندی و حساسیت این دور از مذاکرات به‌گونه‌ای بود که هیچ حاشیه خطایی پذیرفتنی نبود. اقتصاد جهانی در حالت اضطراب قرار داشت و بازارهای نفت خود را برای جهش احتمالی قیمت‌ها تا حدود ۱۳۰ دلار در هر بشکه در صورت شکست مذاکرات آماده می‌کردند. برای تهران، هدف اصلی بقا و دستیابی به اکسیژن اقتصادی بود و تعیین تکلیف ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم در ایران و حضور بازرسان آژانس انرژی اتمی در ایران می‌توانست، مسیر ادامه مذاکرات را هموار کند. به هر روی هر



دو طرف از تهدید جنگ برای اعمال فشار و شکل دادن به دیپلماسی استفاده کردند و گزینه نظامی و تقابل از جانب هر دو طرف به‌عنوان ابزار فشار در کنار گفت‌وگوهای دیپلماتیک حاضر بود.

سیدعباس عراقچی پس از پایان نشست دیروز در مصاحبه‌ای اعلام کرد که مذاکرات فشرده و طولانی بوده و از ساعت ۱۰ صبح تا بعدازظهر، جلسات متعدد غیرمستقیم برگزار شد. او افزود که پس از ماهه‌ها توقف و بی‌اعتمادی، این دور از گفت‌وگوها شروعی مهم داشته و درباره ادامه روند پس از مشورت با پایتخت‌ها تصمیم‌گیری خواهد شد. به گفته عراقچی، درباره اصل ادامه مذاکرات به‌نظر می‌رسد که اتفاق نظر وجود دارد و این نشانه‌ای مثبت برای ادامه گفت‌وگوها به‌شمار

کوبا اکنون بدترین بحران خود از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را تجربه می‌کند، بحرانی که عمدتاً ناشی از سوءمدیریت اقتصادی طولانی‌مدت است و با همه‌گیری کووید و نابودی صنعت گردشگری تشدید شده است. تحریم‌های آمریکا نیز فشار را بیشتر کرده و صادرات نفت از ونزوئلا به کوبا، که سال‌ها ستون فقرات تأمین انرژی جزیره بود، پس از دستگیری مادورو متوقف شده است. کارشناسان نفت هشدار می‌دهند که ذخایر نفت کوبا ممکن است، ظرف چند هفته به پایان برسد و اقتصاد این کشور، از حمل و نقل عمومی تا بیمارستان‌ها، مدارس و کارخانه‌ها، فلج شود. دیاز کانل ضمن اذعان به سختی‌های پیش‌رو گفت: «روزگار سختی در راه است اما با مقاومت خلاقانه بر این شرایط غلبه



خواهیم کرد». راهبرد فعلی آمریکا و فشار بر کوبا یک قمار پرریسک است. هدف دولت واشنگتن ترکیب کاهش شدید انرژی و حذف متحدان منطقه‌ای کوبا مانند مادورو برای ایجاد «نقطه عطف» در ارتش یا میان مردم است اما منتقدان هشدار می‌دهند که این سیاست می‌تواند منجر به فاجعه انسانی و موج گسترده مهاجرت شود که تنگه‌های فلوریدا را بی‌ثبات می‌کند. تا فوریه ۲۰۲۶ با استقرار دارایی‌های دریایی آمریکا در کارائیب و تغییر مسیر نفتکش‌ها از هاوانا، دولت ترامپ کوبا را در بدترین وضعیت خود از دوران «دوره ویژه» دهه ۱۹۹۰ قرار داده است، وضعیتی که وقوع یک گسست سیاسی قطعی در تاریخ اخیر این جزیره را محتمل‌تر از هر زمان دیگری کرده است.

قفقاز

رایزنی‌های امنیتی در باکو

وزیر دفاع به دیدار علی‌اف رفت

«الهام علی‌اف» رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان روز گذشته (جمعه) میزبان هیأت بلندپایه ایرانی به ریاست امیر سرتیپ «عزیز نصیرزاده» وزیر دفاع ایران بود. علی‌اف با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت منطقه، آمادگی این کشور را برای کمک به حل‌وفصل تنش‌ها اعلام و تأکید کرد که باکو از حل‌وفصل این مسائل و اختلافاتی از طریق مذاکره و تفاهم متقابل حمایت می‌کند. رئیس‌جمهور آذربایجان با اشاره به گفت‌وگوی اخیر خود با رئیس‌جمهور ایران گفت که تماس‌ها در سطح عالی در قالب‌های مختلف، فرصت‌های بسیار خوبی برای بحث درباره مسائل دستورکار دوجانبه فراهم می‌کند. علی‌اف با اشاره به اینکه سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران به جمهوری آذربایجان در سال گذشته موفقیت‌آمیز بود و نتایج مثبتی به همراه داشت، اظهار کرد که روابط دو طرف از زمان این سفری بیشتر توسعه یافته است. او تأکید کرد که امروزه در بسیاری از نقاط جهان، جنگ‌ها و درگیری‌ها ادامه دارد اما به ابتکار جمهوری آذربایجان، صلح در قفقاز جنوبی برقرار شده است. علی‌اف با گفتن اینکه موضوع برای ایران اهمیت بسیار بالایی دارد که با هر دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان همسایه است، بیان کرد: «ما صلح در سراسر جهان، بدون کشتار و بدون جنگ می‌خواهیم». به گفته او «جمهوری آذربایجان یک نمونه موفق گذار از جنگ به صلح است». رئیس‌جمهور آذربایجان خاطرنشان کرد که جمهوری آذربایجان نگران وضعیت کنونی منطقه بوده و آماده است تا برای کاهش تنش‌ها، حمایت خود را ارائه دهد. عزیز نصیرزاده نیز در این دیدار با قدردانی از استقبال و میزبانی باکو در آغاز، سلام پزشکیان را به همتای آذربایجانی او ابلاغ کرد. او با گفتن اینکه به دستور رئیس‌جمهور ایران به باکو سفر کرده، تأکید کرد که پزشکیان علاقه زیادی به جمهوری آذربایجان دارد. او همچنین خاطرنشان کرد که رئیس‌جمهور ایران از سفرهای خود به جمهوری آذربایجان از جمله سفر به خانکندی خاطرات خوبی دارد. الهام علی‌اف از نصیرزاده خواست تا سلام او را به رئیس‌جمهور ایران برساند. دو طرف در این دیدار بر توسعه روابط دوجانبه بر اساس اصول دوستی، برادری و حسن همجواری تأکید و درباره چشم‌اندازهای همکاری‌های دفاعی تبادل‌نظر کردند.



هجرت ابدی

نعمت میرزازاده در پاریس درگذشت

نعمت میرزازاده، متخلص به م. آرم شاعر، نویسنده، مترجم، پژوهشگر، استاد زبان و ادبیات فارسی و از بنیان‌گذاران کانون نویسندگان ایران ۱۳ بهمن در پاریس چشم از جهان فروبست. او در بیش از ۶ دهه فعالیت ادبی ۲۲ مجموعه شعر و ۸ دفتر پژوهش از خود بر جای گذاشت. کارنامهٔ نعمت میرزاده تنها به شعر خلاصه نمی‌شود؛ همکاری در ویرایش علمی شاهنامه زیر نظر مجتبی مینوی، تدریس در دانشگاه‌های هنر و شهید بهشتی (ملی سابق) و نگارش ده‌ها مقاله پژوهشی از او چهره‌ای جامع‌الاطراف ساخته بود.

شاعری از تبار مشروطه

نعمت میرزازاده، اول اسفند ۱۳۱۷ در مشهد و در خانواده‌ای با تبار سیاسی به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری‌اش، معروف به آقا شیخ حسین تهرانی، از نمایندگان دورهٔ اول مجلس شورای ملی ایران در جریان به توپ بستن مجلس در زمان محمدعلی شاه قاجار زخمی شد و به خراسان پناه آورد و در آنجا با میرزای سربای، دبیر کمیتهٔ حزب دموکرات خراسان آشنا شد. پسر میرزای سربایی در ۲۰ سالگی تصمیم داشت برای تحصیل به فرانسه برود اما با معصومه، دختر ۱۴ ساله آقا شیخ حسین تهرانی ازدواج کرد. نعمت، پنجمین فرزند این ازدواج بود.
نعمت میرزازاده ۱۵ ساله و دانش‌آموز یکی از دبیرستان‌های مشهد بود که فضای سیاسی کشور به دلیل وقایع مربوط به ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ملتفتی شد. او بعداً در کتاب «چگونه شاعر شدید؟» در گفت‌وگو با رحمت بنی‌اسدی، گفته: «حکومت مصدق، مشروطیت دوم بود و برای من، که از یک خانوادهٔ با ارث و میراث مشروطیت برخاسته بودم، مسألهٔ خیلی حساس بود.» در نوجوانی عضو سازمان دانش‌آموزی حزب ایران و هم‌زمان به شعر و ادبیات علاقه‌مند شد: «هنوز سیکل اول دبیرستان را تمام نکرده، شاهنامه را تمام خوانده بودم. حافظ را از حفظ بودم.» و سال ۱۳۳۹ فعالیت فرهنگی‌اش را با سردبیری خراسان ادبی و ماهنامه «هیرمند» آغاز کرد.

شاعری در زندان

آشنایی و دوستی با محمدرضا شفیعی کدکنی تأثیر زیادی بر فعالیت‌های ادبی نعمت میرزازاده داشت و اولین کتاب خود را با نام «شعر امروز خراسان» در اسفند ۱۳۴۲ با همکاری شفیعی کدکنی منتشر کرد. این کتاب گزیده‌ای از شعر شاعران خراسانی مثل شرف‌الدین خراسانی، غلامحسین یوسفی، عماد خراسانی، نادر نادریور و محمود کیانوش است. سال ۱۳۴۴ «مقدمه‌ای بر حماسه آرش» را منتشر کرد و دو سال بعد، مجموعه شعر «گذریان» در همان مرحلهٔ چاپخانه توقیف شد و به بازار کتاب نرسید. آرم در دههٔ ۴۰ قصیدهٔ بلند «پیام» را منتشر کرد و کتابی به نام «ایله‌القدر» را هم نوشت که مانند مجموعه شعر «گذریان» توقیف شد. پاییز ۱۳۴۹ مجموعه شعر او با عنوان «سحوری» در تهران منتشر شد؛ مجموعه‌ای که تنها یک هفته پس از انتشار به چاپ دوم رسید و بلافاصله توسط ساواک توقیف شد. با این حال، چاپ زیرزمینی این کتاب ادامه یافت. کمی پس از انتشار این کتاب، واقعهٔ سیاهکل در اسفند همان سال رخ داد. در همین مقطع بود که برای اولین بار بازداشت و زندانی شد. در گفت‌وگو با پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد گفت از جمله به «تشکیل شاخه سیاهکل در خراسان» و «ایجاد دسته و مرام

کافه

تازه‌های ادب و هنر

ماجرای یک انحراف

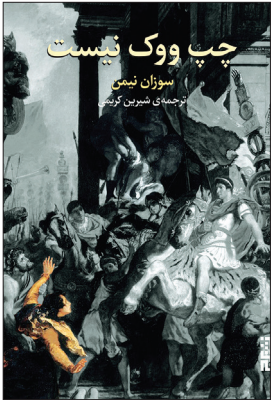
سوزان نیمن در چپ ووک نیست به تفاوت‌های چپ گرایی با ووکیسم می‌پردازد

بازگرداندن چپ به ریشه‌های فلسفی خود

کتاب «چپ ووک نیست» به بررسی تفاوت میان سنت فکری چپ و آنچه امروز با عنوان ووکیسم شناخته می‌شود می‌پردازد. مسألهٔ اصلی کتاب این است که چپ تاریخی بر مفاهیمی چون جهان‌شمولی، عقلانیت انتقادی و عدالت ساختاری استوار بوده، در حالی که ووکیسم معاصر اغلب بر تجربهٔ زیسته فردی، هویت و احساس آسیب‌دیدگی تمرکز دارد. نیمن استدلال می‌کند این جابه‌جایی تمرکز، پیامدهای سیاسی و اخلاقی جدی دارد. به‌جای مبارزه با ساختارهای ناعادلانه، گفتمان ووک گاهی به دآوری اخلاقی افراد و گروه‌ها تقلیل پیدا می‌کند. کتاب «چپ ووک نیست» تلاشی است برای بازگرداندن چپ به ریشه‌های فلسفی خود، بدون آن‌که نقد تبعیض و بی‌عدالتی کنار گذاشته شود. اهمیت کتاب در این است که نیمن منتقد ووکیسم از موضع محافظه‌کارانه نیست. نیمن خود را به سنت «چپ عقل‌گرا» و «جهان‌شمول» متعهد می‌داند و همیسن جایگاه، نقد او را برای مخاطبان جدی‌تر و اثرگذارتر کرده است. آثار پیشین او نیز بر متفکران حوزهٔ فلسفهٔ سیاسی و اخلاق تأثیر گذاشته‌اند، به‌ویژه در بازخوانی میراث کانت و روشنگری.

چپ‌هراسی یا گریز از چپ

سوزان نیمن در پیش‌گفتار کتابش دربارهٔ گرایش و منظر سیاسی خود می‌نویسد:



چپ ووک نیست

سوزان نیمن

ترجمهٔ شیرین کریمی

نشر برج

۲۳۲ صفحه

۳۴۰۰۰۰ تومان

در سال‌های اخیر، واژهٔ «ووک» از یک مفهوم انتقادی علیه بی‌عدالتی به برجستگی مناقشه‌برانگیز در سیاست و فرهنگ عمومی تبدیل شده است. بسیاری از مخاطبان، به‌ویژه در فضای چپ سیاسی، با این پرسش روبه‌رو هستند که آیا آن‌چه امروز به‌نام «ووکیسم» شناخته می‌شود، ادامهٔ منطقی سنت‌های عدالت‌خواهانه چپ است یا انحرافی از آن. کتاب «چپ ووک نیست» نوشتهٔ سوزان نیمن دقیقاً بر همین گرهِ فکری دست می‌گذارد؛ جایی که اخلاق، سیاست هویتی و میراث روشنگری در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. نشر برج بتازگی این کتاب را با ترجمهٔ شیرین کریمی منتشر کرده است.

فیلسوف اخلاق و سیاست

سوزان نیمن، فیلسوف و نویسنده‌ای است که در آالاتای جورجیا در دورانی که جنبش حقوق مدنی در آمریکا فعال بود، به دنیا آمد (۱۹۵۵) و بزرگ شد. بعدها در دانشگاه هاروارد فلسفه خواند و دکتری‌اش را در سال ۱۹۸۶ دریافت کرد؛ استادانش در آن دوره جان رالز و استنلی کاول، دو فیلسوف سرشناس آمریکایی، بودند.

در دههٔ ۱۹۸۰، شش سال در برلین اقامت گزید و ضمن تحصیل در آن‌جا در قامت نویسنده نیز ظاهر شد. چند سالی نیز در پیل و تل‌آویو فلسفه تدریس کرد. از سالال ۲۰۰۰ تا کنون مدیر انجمن آینشتاین در پتسدام آلمان بوده است. حوزهٔ پژوهشی نیمن فلسفهٔ اخلاق و سیاست و تاریخ فلسفهٔ مدرن است. ۸ کتاب نوشته است که به ۱۵ زبان ترجمه شده و چند جایزه برای او به ارمغان آورده‌اند، از جمله جایزهٔ «IPEN»، جایزهٔ «انجمن ناشران آمریکا» و جایزهٔ «آکادمی مطالعات ادیان در آمریکا». نشر برج پیش‌تر از این نویسنده دو کتاب «درس گرفتن از آلمان‌ها» و «شسر در اندیشهٔ مدرن: تاریخ فلسفه از چشم‌اندازی متفاوت» را منتشر کرده است.

در دنیایی که هر روز مرز میان عدالت‌خواهی و ایدئولوژی تیره‌تر می‌شود، سوزان نیمن هشدار می‌دهد ووک‌بودن الزاماً به‌معنای چپ‌گرایی نیست. او نشان می‌دهد چگونه جنبش ووک، با آن‌که از احساسات چپ‌گرایانه‌ای چون دفاع از ستمدیدگان و مقابله با تبعیض نیرو می‌گیرد، در بنیادهای فلسفی‌اش از ریشه‌های محافظه‌کارانه تغذیه می‌کند؛ و همین تناقض است که آن را در تعارض با سه اصل دیرپای چپ قرار می‌دهد: جهان‌شمولی، تمایز میان عدالت و قدرت، و ایمان به امکان پیشرفت. نیمن با زبانی روشن و پُرند، از چپ می‌خواهد به آرمان‌هایی بازگردد که زیباترین جنبه‌های جهان مدرن را آفریده‌اند.

سینمای ایران

حاشیه‌علیه متن

صف‌بندی بازیگران و فیلم‌سازان علیه جشنواره فیلم فجر

حاکمیتی می‌دانستند با کلاه کپ و تی‌شرتی که روی آن نوشته بود: «از خون جوانان وطن لاله دمیده» به پردیس سینمایی ملت آمد. او که طی سال‌های گذشته و از زمان تولدش در سینمای ایران، همواره زیرنور توجه بود، این بار نه روی پرده و نه در کنفرانس خبری، دوستان زیادی را پیدا نمی‌کرد. مهدویان که ستاره‌های سینما را به ترسو بودن متهم کرد، درباره اینکه سینماگری حاصل توجه! است که فیلم‌هایش از پیشش اکران را گرفته‌اند و در پاسخ به سوال تند یک خبرنگار به توقیف فیلم شیشلیک، اشاره کرد.

مطابق انتظار، مهدویان در فضای مجازی با حمله‌ای تند مواجه شد و یکی از تندترین نقدها از سوی مهران احدی بازیگر و کارگردان به او انجام شد. او نه با کنایه‌ای ظریف که بسا لحنی تند و گزنده به مهدویان حمله کرد و گفت: «آقای مهدویان که هفت هشت سالی هست به دلایلی که هم من می‌دانم و هم تو! وارد این عرصه شدی». او سپس به معرفی خودش پرداخته و می‌گوید: «۳۵ سال است در این حرفه هستم، پشتم به جایی گرم نیست و از جایی هم پولی نگرفتم. اما شما که پشتت گرمه، حق نداری به ما که خواهر و برادر و بچه‌هایمان در این شهر و کشور در خون خودشان غلتیدند، بگویی ترسو! ما عزاداریم و وارد جشن!‌واره نمی‌شویم. تو اگر دوست داری برو، دست حق به همراهت!»

انصراف ستاره‌ها

الناز شاکردوست یکی از اولین ستاره‌های سینمای ایران بود که با متنی احساسی از حضور در جشنواره فیلم فجر انصراف داد. او البته در یک استوری نیز از یک تماس تلفنی پرده برداشت که به او قول دریافت سیمرغ بلورین را داده بودند: «فریاد می‌زنم من عزادار عزیزانم هستم، کدام جشنواره؟ کدام جشن؟» این بازیگر سرشناس درحالی از دنیای بازیگری در سینما خداحافظی کرد که سعید زمانیان، کارگردان فیلم «آرام‌بخش» که شاکردوست در آن بازی کرده بود نیز یکی از اولین کسانی بود که از حضور در جشنواره انصراف داده بود.

چهل‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر، پرحاشیه‌ترین دوره از آب درآمد. جشنواره‌ای که پیش از شروع نیز به دلیل عدم حضور تمام چهره‌های مؤثر سینمای ایران مورد نقد قرار گرفته بود، هرچه از زمان شروعش گذشت، جنجالی‌تر شد.

حمله و ضدحمله

جشنواره‌ای که با انصراف و کنار کشیدن برخی از چهره‌ها آغاز شده بود، با کنفرانس خبری محمدحسین مهدویان به اوج جنجال رسید. کارگردانی که بسیاری او را نورچشمی! دستگاه‌های تأثیرگذار

پاکت‌ها به منزله رد پیشنهاد می باشد.

۱۴- برنامه زمانی مناقصه : زمان انتشار آگهی در نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ و در نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ می باشد.بازه زمانی دریافت اسناد به صورت الکترونیکی (از طریق سامانه ستاد ایران) از ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ می باشد. مهلت قبول پیشنهادها لغایت مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ ساعت ۱۴:۰۰ می باشد. جلسه بازگشایی پاکت‌ها ساعت ۱۴:۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ می باشد.
۱۵- پیشنهاد دهندگان حقیقی و حقوقی می بایست دارای رتبه معتبر رشته راه و ظرفیت خالی از سازمان مدیریت و برنامه و بودجه باشند.
۱۶- مناقصه گر ملزم به رعایت کامل مفاد و تکمیل جداول دستورالعمل نحوه ارائه تجزیه بپاه همراه پیشنهاد قیمت توسط پیمانکاران ابلانگی سازمان برنامه و بودجه به شماره ۹۶/۱۲۲۵۷۹ مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۱ می باشند و در صورت عدم رعایت بند فوق، کمیسیون مناقصه شهرداری آکند پیشنهاد را رد می نمایند.
۱۷- رعایت بازگاری اسناد در پاکت‌ها (الف ، ب ، ج)بر اساس آیین نامه برگزاری مناقصات از سوی مناقصه گر الزامی می باشد و در صورت عدم رعایت بند فوق ، کمیسیون مناقصه شهرداری آکند پیشنهاد را رد می نمایند.

۱۸- با توجه به اینکه مصالح قیر مورد استفاده در تهیه آسفالت که از سوی شهرداری تامین می گردد نزد شرکت کارخانه آسفالت کنج سازه دنج واقع در ساری شهرک صنعتی شماره یک قرار دارد ، برنده مناقصه ملزم به خرید آسفالت با قیمت مصوب اتحادیه از شرکت فوق می باشد.ضمناً به هیچ عنوان امکان واگذاری و جابجایی قیر به برنده وجود ندارد و فقط برنده مناقصه می تواند با خرید و تهیه آسفالت با شرایط ذکر شده اقدام نماید.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

سیدباقر عابدینی

شهر دار آکند

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

نیم شب بی جان

نگاهی به فیلم «نیم شب» آخرین ساخته محمدحسین مهدویان



می‌شوند. آنچه بیش از همه به نیم‌شب آسیب زده و پاشنه آشیل آن به‌شمار می‌آید، فیلمنامه غیرمنسجم و دواپاره آن است که نتوانسته ایزودها را بدرستی به‌هم متصل کند. دیالوگ‌ها و اکت‌های اغراق‌شده به‌نظر بیش از حوصله مخاطب است؛ جملاتی مانند: «دفعه آخرت باشه نام ایران رو به زبون میاری»، «من تا تهش هستم»، «بیار به بی‌عرضگی خودت اعتراف کن» و همچنین صحنه‌هایی نظیر اهدای پلاک طلای ایران به نوزاد یا دادن کتاب به نگهبان اورژانس به سبک معرفی کتاب در برنامه‌های تلویزیونی یا رابریوی مأمور با کسی که قرار است بمب را از محل خارج کند. مهدویان تلاش کرده وحدت ملی را از دل شعارها به تصویر بکشد، در حالی که این مفهوم باید از دل داستان بیرون بیاید. پیام فیلم مستقیم و تحمیلی است. کنار گذاشتن اختلافات در چنین شرایطی بر کسی پوشیده نیست، اما تکرار مداوم این پیام در نیم‌شب برای یک فیلم سینمایی ناهنجار به‌نظر می‌رسد.

سکانس‌های اضافی فیلم بی‌شمارند و احتمالاً نیم‌شب برای اکران عمومی نیازمند تدوین مجددی باشد. شاید حذف برخی صحنه‌ها بتواند ریتم اثر را متعادل‌تر کند؛ مانند سکانس اتاق عمل یا صحنه‌هایی که شخصیت دختر معتاد با بازی الناز ملک (نازی) حضور دارد و کمکی به پیشبرد داستان نمی‌کند. یکی از صحنه‌هایی که می‌توانست نباشد، سکانس وزش باد، تکان خوردن بمب و صف کشیدن اغراق‌آمیز مأموران و مردم برای مهار آن است. مهدویان برای دراماتیزه کردن فیلمش دست به هر ترغندی زده؛ از نمایش درد بیمارانش سرطانی گرفته تا مادری باردار که باید در زمانی محدود سزارین شود و صحنه‌ای که نوزاد نفس نمی‌کشد. با این حال، اغراق نیست اگر بگوییم نیم‌شب یکی از نا موفق‌ترین تجربه‌های بازی‌گرانی او نیز هست. بازی‌گران و نابازی‌گران در ارتباط برقرار کردن با مخاطب ناتوانند و بازی‌ها به‌شدت مصنوعی به‌نظر می‌رسد. شخصیت‌های اصلی انگار بعد ندارند و صرفاً وظیفه دارند دیالوگ‌ها را طوطی‌وار ادا کنند. می‌توان به نیت سازندگان نیم‌شب به‌دیده احترام نگریست، اما درخشان شدن فیلمی که چنین سوژه سنگینی را دستمایه قرار داده و تنها در ۲۴ شب فیلمبرداری شده، جای تردید دارد. به‌عنوان مخاطب می‌توان آرزو کرد که کاش فیلمی که در ستایش صلح ساخته شده، این‌گونه به خوددنی دچار نبود. می‌گویند فیلم‌ها برای بیست دقیقه پایانی‌شان ساخته می‌شوند و «نیم‌شب» از این نظر مشکلات عدیده دارد.

در نهایت، نیم‌شب پیش از آنکه فیلمی جذاب و بحث‌برانگیز روی پرده باشد، با حاشیه‌هایش (ازجمله نشست خبری پرتنش در خانه جشنواره و اظهارات عجیب مهدویان) خبرساز شد.

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

حدود چهار سال پیش، در چهلمین جشنواره فیلم فجر، محمد حسین مهدویان با فیلم مرد بازنده دست‌خالی از دریافت سیمرغ به خانه بازگشت. او در پستی اینستاگرامی نوشت: «جشنواره فیلم فجر برای من تمام شده. از دوران حضورم در جشنواره یادگاری‌های زیادی دارم، بیشتر از دو سیمرغی که گرفته‌ام. خاطرات بدش را از خودم دور می‌کنم. تا جشنواره را با خوشی‌هایش به یاد بیاورم و همیشه برایم زیبا باقی بماند. تا همین جا و همین قدر برایم کافی است. حالا دیگر سودایی در سر ندارم. فقط شوق سینماست که خالص‌تر از قبل وسوسه‌ام می‌کند».

مهدویان چنان از جشنواره ناراضی بود که چند سالی فیلم ساخت، اما در یک چرخش ناگهانی با ساخت فیلم «نیم‌شب» تغییر مسیر داد و اثرش را راهی جشنواره فجر امسال کرد. نیم‌شب نخستین فیلم جدی و مهم درباره جنگ ۱۲ روزه است که به نو پسندگی مهدی یزدانی خبر و تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد ساخته شده است. نیم‌شب روایتگر شب هفتم جنگ ۱۲ روزه است؛ جایی که در کوچه‌های حائل میان دو بیمارستان در منطقه یوسف‌آباد، بمبی از سوی هواپیما شلیک می‌شود اما عمل نمی‌کند. حالا ساکنان آن محدوده باید منطقه را تخلیه کنند. مهدویان در این فیلم از چهره‌های شناخته‌شده سینمایی استفاده نکرده و تنها بازیگران نسبتاً آشنای اثر احسان منصوری و الناز ملک هستند. فیلم به‌شدت مانفیس شعارزده است و دیالوگ‌های گل‌درشت فراوانی دارد. البته به گفته کارگردان در نشست خبری فیلم (نشستی که با حاشیه‌های فراوانی همراه بود)، او در پاسخ به انتقادها درباره شعارزدگی فیلمش گفت: «وقتی پای ایران وسط باشد، باید شعار داد».

موضوع اصلی فیلم وطن پرستی است، اما اقتدار این مفهوم پررنگ و اغراق آمیز مطرح شده که به مذاق مخاطبان، منتقدان و اهالی رسانه خوش نیامده است. مهدویان دقیقاً یک دهه که پس از ایستاده در غبار (۱۳۹۴) و پس از ساخت انثاری موفق چون ماجرای نیمروز ۲ و درخت گردو، این بار با «انثب» اثری متوسط ارائه داده که میان درام و مستند معلق مانده است. شاید اگر انثب به عنوان یک مستند ارائه می شد، اثری به مراتب بهتر به حساب می آمد، اما به عنوان یک فیلم سینمایی ۱۲۰ دقیقه ای، آن‌ها با دوربین روی دست، بیش از هر چیز شبیه یک مستند تلویزیونی است.

خرده‌پیرنگ‌های متعدد اقتضای زیاد هستند که سوزِ اصلی فیلم زیر بار آنها پنهان شده و روایت را چندپاره و غیرمنسجم کرده‌اند. صحنه‌های اضافی و تکراری، میزانشن‌های ساده و وفادار خلافت، ریتم اثر را کند کرده و ضربه جدی به درام زده‌اند؛ تا جایی که فیلم بیشتر به یک گزارش شتاب‌زده شباهت پیدا می‌کند. تعداد کاراکترها بسیار زیاد است، اما اغلب فاقد عمق و شخصیت‌پردازی هستند. فیلم سرآغاز اقتضای مختلفی می‌رود؛ از جانباز جنگ مأمور خنثی‌سازی شهبید گرفته تا زنی ارمنی که پسرش ۴۵ سال پیش در مرز همبست شده است. همچنین با نسل زد، معاندان، بیماران سرطانی، افراد کرد، دختر بچه افغانی و پرستاران شجاع مواجه می‌شویم که همگی در برابر دشمن خارجی یک‌صدا

سه آگهی : ۲۱۱۵-۰۳

فرآخوان تجدید مناقصه عم خرید یک دستگ

ت پشتیبانی امور دام استان تهران در نظر دارد تجدید مناقصه سی خدمات (فروارد اخ خرید یک دستگاه دیزل ژنراتور) به شماره ۴۰۴۰۰۱۴۰۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت امکانزاد واجد صلاحیت واگذار نماید، کلیه مراحل برگزاری مناقصه از اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها برقرار خواهد بود. برای دریافت اطلاعات بیشتر با مراجعه به وبسایت www.setadiran.ir میسر خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت کپی امضای الکترونیک را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

نشستر مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ میلشد.

زمانی دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۹ روز ۱۴۰۴/۱۱/۲۳
تا زمانی ارائه پیشنهاد: از ساعت ۹ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

416.0



که باورهای ناسیونالیستی در حاشیه بر مبنای این ایده استوار شده است که «مجارها و نروژی‌ها/ یهودی‌ها/ آلمانی‌ها/ انگلوساکسون‌ها/ هندوها بهترین قبایل ممکن هستند. این اصل قبیله‌گرایی است که آن‌ها را متحد می‌کند: فقط با افرادی که متعلق به قبیله شما هستند ارتباطی واقعی برقرار کنید و لزومی ندارد که به دیگران تعهدات عمیق داشته باشید. تنگ‌لختی است که قبیله‌گرایان امروزی، به تازگی به‌تازگی به آن دست می‌زنند، با احتیاط از کسانی که تعهدشان را بر گفته‌از جهان‌شمول‌گرایی است، می‌توانند برای هدفی مشترک متحد شوند.»

ووک: از ستایش تا ستیز

به اعتقاد نویسندگان تاب «چپ ووک نیست»، «ووک» «بهیچ وجه» به مفهوم عرفی جنبش محسوب نمی‌شود: «نخستین کاربرد عبارت ووک بمان (پیدار بمان) در سال ۱۹۳۸ در آهنگ «پسران اسکاتسبر» اثر لدلی خواننده برجسته‌ست بلوز ثبت شد. این آهنگ به نُه نوجوان سیاه تقدیم شد که اعدام آن‌ها، بدلیل تجاوزهایی که هرگز مرتکب نشده بودند، متوقف شد و این توقف فقط با سال‌ها اعتراض بین‌المللی محقق شد. حزب کمونیست آن اعتراضات را رهبری می‌کرد، گاهی نقش این حزب فراموش می‌شود، این در حالی است که ویلیام ادوارد برکهارت دیو، عضو انجمن ملی پیشرفت رنگین‌پوستان در ابتدا تمایلی نداشت در این موضوع درگیر شود. ووک‌مانند در برابر بی‌عدالتی، هشیاربودن در برابر نشانه‌های تبعیض؛ کجای این عبارات غلط است؟» نیمین در ادامه درباره آن که چرا حتی فقط چند سال، ووک از اصطلاح ستایش آمیز به اصطلاح توهان آمیز تبدیل شد، می‌نویسد: «ازد خبیلی‌ها، از زورن دساتینس تا نیشی سونیک، از ریمک ووک، کلمه ووک اعلام جنگ بمنظور حمله به هر کسی شد که ضدنازی‌پرستی ایستاده بود، درست مانند عبارت سیاست‌های هویتی که از چند سال قبل در معنایی کاملاً برعکس به کار رفت. این کلمه اکنون در خیلی جاها، از سن پترزبورگ روسیه تا سن پترزبورگ فلوریدا، به‌حدی نامتازا شده است که بسیاری از همکارانم به من توصیه کردند اصلاً از ووک انتقاد نکنم تا راست‌گراها از آن استفاده ابرازی نکنند. اما نمی‌توان تمام تقصیرها را به گردن جناح راست انداخت.»



را در فضای رسانه‌ای و مجازی برایش خرید که جالبترین آنها از سوی یکتا ناصر، همسر سابقش و بازیگر سرشناس بود. او گفته بود: «چرا باید بترسم که به جشنواره بیایم؟ جشنواره مال من است. فرار کردن و تحریم کردن چه فایده‌ای دارد؟ به چه حقی ما را تحریم می‌کنند؟ به چه حقی به بازیکن فوتبال می‌گویند، بازی نکن و به فیلمساز می‌گویند، فیلم نساز؟ شش‌مایی که ما را تحریم می‌کنید، شما دیکتاتور هستید». یکتا ناصر، همسر سابق منوچهر هادی اما خیلی زود دست به قلم شد و در اینستاگرام پستی را منتشر کرد: «اگر می‌شود مادر باشی و این روزها داغدار نباشی، مگر می‌شود انسان باشی و یک چشم اشک و چشم دگرت خون نباشد در این روزگار. درکتان می‌کنم که بخواهید بچه‌اش را نفرین کنید تا کمی آرام بگیرد ولی باور کنید که این دختری که ۹ ساله است که من مادر فقط زنده‌ام تا دختر کوچکم تک سرپرستش که منم را از دست ندهد»، او همچنین نوشت: «من در کنار شما هستم نه در گفتار...».

صف کشی و خط کشی

این اولین بار نیست که جشنواره فیلم فجر در فضای ملت‌هپ اجتماعی و سیاسی برگزار می‌شود اما به جرأت می‌توان گفت که هیچ زمانی چون امروز، مرزبندی و خط‌کشی تا این حد جدی، شدید و بلند نبوده است. امروز به‌نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری سینمای ایران و فضای جشنواره فجر (که می‌تواند مقیاس کوچکی از جامعه باشد) قطبی شده است. اکنون گروهی از هنرمندان با صدای اصرار و انصراف‌شان به مرزهای اخلاقی دست زدند، گروهی دیگر با حضورشان و با وجود انتقادهای تند! به رقابت و جشنواره پیوند ماندند و برخی در میان واکنش‌های تند جامعه گیر سسکوت گرفتند؛ جشنواره امسال نه سینما که تصویری از تضاد، انتخاب و تعهدات اخلاقی را به نمایش گذاشته است.



امیر جدیدی که در فیلم «اسکور» با بازی او در جشنواره حضور دارد روز پنج‌شنبه با انتشار یک استوری اینستاگرامی از حضور در جشنواره فجر انصراف داد: «از درون لیریز اندوه، از بیرون رگبار حزن، همچون زادگاهم، عزادارم و از حضور و رقابت در جشنواره دوری می‌کنم». آنچه در استوری جدیدی وجود دارد، این است که او خواهان کناره‌گیری از رقابت برای بهترین بازیگر جشنواره شده است. موضوعی که مسئولان جشنواره تا الان آن را رد کرده و اعلام کرده‌اند برای انصراف از بخش رقابت باید پیش از شروع به جشنواره اعلام می‌شد. حالا این سوال پیش می‌آید که جشنواره اسمال حاضر است، جایزه بهترین‌ها را به کسانی بدهد که آن را تحریم کرده‌اند.

با این وصف جدیدی و شاکر دوست تنها ستاره‌های کنار کشیده، نیستند. حامد بهداد و بهنوش طباطبایی همراه فیلم «گیس» به جشنواره نیامدند تا مهدی جوادی، تهیه‌کننده فیلم درباره دلیل این موضوع با عصبانیت بگوید: «این را از فاشیست‌هایی بپرسید که با ایجاد دیکتاتوری رسانه‌ای، سبب شدند آنها در خانه باشند و در جشنواره حضور نداشته باشند».

نکته اینجاست که تمام انصراف‌ها با سر و صدا و انتشار متن‌های احساسی همراه نبوده است. بعضی بازیگران مانند رضا کیانیان یا هدی زین‌العابدین نیز همراه فیلمشان (اسکورت) به محل کاخ جشنواره نرفتند تا انصرافی بی‌سر و صدا را رقم زده باشند.

ماجرای هادی و ناصر

با وجود حواشی بسیار اما نمی‌توان از ماجرای حضور جنجالی منوچهر هادی در جشنواره امسال گذشت. او با فیلم «خیابان جمهوری» به جشنواره آمده بود که با سوال خبرنگاران در ارتباط با عدم حضور هنرمندان مواجه شد و پاسخی که داد، حملات پر حجمی

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

سوگ جمعی را به رسمیت بشناسیم

روایت‌های جمعی به رویداد معنا می‌بخشد



مریم اسماعیلی‌پور

عضو شورای استان گیلان
حزب کارگران سازندگی ایران

اقدام دولت در اعلام اسامی قربانیان روزهای سخت دی‌ماه، از معدود فعالیت‌های قابل دفاع در جریان بحران اخیر است. اگر چه این فرآیند هم مشمول زمان شد و شاید اثرگذاری حداقلی داشته باشد با این حال می‌تواند، نشانه‌های اندکی از عقلانیت را برای مردم آسیب‌دیده بروز دهد.

در سوگ جمعی، نیازهای مردم چندوجهی و عمیقاً انسانی است. این نیازها فراتر از فرهنگ و جغرافیا، مشترک هستند. به‌رسمیت شناخته شدن و تأیید درد شاید اولین نیاز باشد. مردم نیاز دارند بدانند که غم، خشم، سردرگمی یا بی‌حسی آنها طبیعی و قابل درک است و به‌مبارتی احساسات آنها اعتبار یافته است. آنها نیاز دارند که فرصتی برای به اشتراک گذاشتن خاطرات، تجربیات و احساسات مرتبط با فاجعه در اختیار داشته باشند. در چنین موقعیتی، حضور فیزیکی یا نمادین دیگران، احساس انزوا را کاهش می‌دهد و یادبودها، محافل عمومی، مراسم مذهبی یا حتی مراسم آنلاین، امکان سوگواری جمعی را برایشان فراهم می‌کند.

در بی‌ثباتی پس از فاجعه، دسترسی به حقایق، کاهش سردرگمی و ترس کمک می‌کند تا مردم احساس امنیت و ثبات داشته باشند. نهادهای اجتماعی، رهبران معنوی یا مدنی باید حمایت و راهنمایی ارائه دهند. تلاش برای یافتن معنایی در رنج حتی اگر پاسخی قطعی وجود نداشته باشد، کمک می‌کند تا آسیب‌دیدگان معنا و تفسیری را برای رنج خود بپذیرند. در اینجا روایت‌های جمعی به رویداد معنا می‌بخشد.

مردم نیاز دارند اقداماتی را مشاهده کنند که نشان می‌دهد، به‌بودی ممکن است. شنیدن داستان‌هایی از بقا و به‌بودی دیگران به تاب‌آوری آنها کمک می‌کند. مشارکت در کمک‌رسانی یا حمایت عاطفی از سایر آسیب‌دیدگان به افراد حس کنترل و هدف می‌دهد. در چنین رویکردی، بسیج برای پیشگیری از فجایع مشابه یا تقویت همبستگی اجتماعی منجر می‌شود. حتی احترام به حریم خصوصی و تفاوت‌های فردی مردم در این مواقع اهمیت زیادی دارد. برخی نیاز به جمع دارند، برخی به تنهایی. پذیرش این تفاوت‌ها مهم است. در مورد شیوه یا مدت سوگواری افراد نباید قضاوتی وجود داشته باشد.

سوگ جمعی، در عین دردناکی، می‌تواند جامعه را حول ارزش‌های مشترک بازتعریف و حس عمیق‌تری از تعلق ایجاد کند. پاسخ‌گویی به این نیازها نه‌تنها به اتمام فردی بلکه به بازسازی پیکره اجتماعی کمک می‌کند. در چنین شرایطی لازم است، جامعه و رهبران با ایجاد فضای امن برای بیان عواطف بدون ترس از قضاوت، تدارک حمایت‌های روانی -اجتماعی در دسترس و با حساسیت فرهنگی همچنین پرهیز از بهره‌گیری سیاسی کوتاه‌مدت از فاجعه، که می‌تواند اعتماد عمومی را تخریب کند، حضور خود را کنار مردم ثابت کنند.

ممانعت و بی‌اعتنایی در فرآیند سوگ جمعی، خطرات جدی و گاه ماندگاری در سطوح فردی، اجتماعی و سیاسی به‌وجود می‌آورد. آسیب‌های روانی طولانی‌مدت و فردی، فرسایش سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی، بازتولید خشونت و تنش‌های اثبات‌شده، از دست دادن مشروعیت نهادها و حکمرانی، تخریب حافظه جمعی و هویت، بحران معنا و بی‌هدفی وجودی و در نهایت جهانی شدن اعتراض و ایجاد فشار بین‌المللی از خطرانی است که می‌توان نام برد.

غم و خشم بیان نشده، می‌تواند به افسردگی، اضطراب فراگیر یا استرس منجر شود. وقتی نهادها یا مسئولان به‌جای تسهیل سوگواری، مانع آن شوند، شهروندان احساس می‌کنند که دردشان نادیده گرفته یا بی‌ارزش شمرده شده است.

نادیده گرفتن سوگو جمعی می‌تواند به قطعی شدن و «احساس ما» در مقابل آنها دامن می‌زند. وقتی افراد نتوانند درد مشترک را به‌طور جمعی پردازش کنند، حس تعلق و مسئولیت متقابل تضعیف می‌شود.

احساسات مه‌ار شده، می‌تواند در قالب اعتراض‌های غیرقابل پیش‌بینی، خشونت‌های پراکنده یا اقدامات تلافی‌جویانه بروز کند. سوگ حل نشده به‌عنوان زخم تاریخی در حافظه جمعی باقی می‌ماند و می‌تواند در شرایط بحرانی دوباره فعال شود. وقتی حکومت یا نهادها به‌جای همدلی، مانع سوگواری شوند، مشروعیت خود را نزد مردم از دست می‌دهند، شهروندان احساس می‌کنند که در سیستم غریبه هستند و هیچ‌گاه صدایشان شنیده نخواهد شد. ممانعت از سوگو جمعی اغلب با روایت‌سازی‌های رسمی یک‌سویه همراه است که واقعیت تجربه زیسته مردم را حذف یا تحریف می‌کند. اگر نسلی نتواند، درد خود را به‌درستی بیان و منتقل کند، نسل‌های بعد در درک ریشه‌های ترومای جمعی دچار مشکل خواهند شد. وقتی جامعه نتواند برای رنج خود معنایی بیابد، حس ناامیدی و بی‌معنایی گسترش می‌یابد و جامعه‌ای که نتواند با آسیب‌های گذشته روبه‌رو شود، در مواجهه با بحران‌های آینده آسیب‌پذیرتر خواهد بود. در عصر ارتباطات، سرکوب سوگ جمعی با روایت‌های متنوع چه در داخل و چه در خارج مواجه می‌شود و می‌تواند به‌سرعت در رسانه‌های جهانی بازتاب یابد و منجر به فشار دیپلماتیک، تحریم‌ها یا محکومیت‌های حقوق بشری شود.

کوچه

بررسی رویدادهای اجتماعی

معیشت خاکستر شده

ماجرای فاجعه آتش سوزی بازارچه جنت‌آباد



گروه اجتماعی: سه روز از سه‌شنبه سیاه شمال‌غرب تهران

می‌گذرد؛ روزی که عقریه‌های ساعت هنوز به ۱۰ صبح نرسیده بود که سستون‌های دود غلیظ از تقاطع بزرگراه نیایش و جنت‌آباد، آسمان پایتخت را تسخیر کرد. امروز که غبار عملیات اطفای حریق فرونشسته است، آنچه از بازارچه دو هزار متری «جنت» باقی مانده، تنها آهن‌پاره‌های خمیده، دیوارهای سیاه و اشک‌های کسبه‌ای است که تمام دارایی‌شان در عرض یک ساعت به تلی از خاکستر بدل شد. این حادثه اگرچه طبق گزارش‌های نهایی اورژانس و آتش‌نشانی، خوشبختانه تلفات جانی به همراه نداشت اما ابعاد اقتصادی و اجتماعی آنچنان گسترده است که حتی پای معاون اول رئیس‌جمهور را نیز برای پیگیری فوری به پرونده باز کرده است.

تقابل شعله‌ها و سازه‌های موقت

روایت فاجعه از جایی آغاز شد که نخستین تماس‌ها با سامانه ۱۲۵ خبر از حریق مه‌ارناپذیر در یک سوله بزرگ مسقف می‌داد. به گفته جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی، شدت آتش به حدی بود که پنج ایستگاه عملیاتی در بدو ورود با شعله‌هایی مواجه شدند که تقریباً تمام وسعت دو هزار متری بازارچه را در بر گرفته بود. ساختار این بازارچه که عمدتاً از سازه‌های سبک و غرفه‌های تفکیک شده با مواد قابل اشتعال تشکیل شده بود مانند یک انبار باروت عمل کرد. صدای انفجارهای پیاپی که شاهدان عینی از آن یاد می‌کنند احتمالاً ناشی از ترکیدن کپسول‌های گاز یا مواد پلیمری در غرفه‌ها بوده است. عملیات نفس‌گیر آتش‌نشنان که بیش از یک ساعت به طول انجامید، اگرچه مانع از سرایت آتش به مجتمع تجاری مجاور (نیایش مال) شد اما نتوانست از نابودی کامل حدود ۲۰۰ واحد صنفی جلوگیری کند.

زیر تلی از گل

درحالی که آتش‌نشنان برای جلوگیری از فاجعه‌ای بزرگ‌تر و سرایت حریق به ساختمان‌های اطراف، از چندین جهت عملیات خنک‌سازی را اجرا می‌کردند، بخش دیگری از خسارت‌ها رقم خورد. ویدئوهای منتشر شده توسط کسبه در فضای مجازی، ابعاد تلخی از این حادثه را فاش کرد؛ مغازدارانی که واحدهایشان مستقیماً در آتش نسوخته بود حالا با نابودی اجناس‌شان بر اثر نفوذ حجم عظیم آب و گل‌ولای مواجه شده‌اند. یکی از غرفه‌داران مجاور دیوار بازارچه با حسرت از کالاهایی می‌گوید که برای فروش شب عید انبار کرده بود و اکنون زیر لایه‌های گل مدفون شده‌اند. این پارادوکس «امداد یا خسارت»، چالش همیشگی در

سلامت

به چشم‌ها نزنید

وقتی پروتکل‌های درمانی زیر ضرب ساچمه می‌روند

گروه اجتماعی: «هدف قرار دادن چشم شهروندان، نه یک اقدام بازدارنده، که نقض صریح کرامت انسانی و اخلاق پزشکی است». این بخشی از متن بیانیه‌ای است که چند روز پیش از سوی جمعی از جراحان و متخصصان چشم‌پزشکی ایران منتشر شد. امضاکنندگان این نامه سرگشاده که خطاب به قوای سه‌گانه و فرماندهان نظامی تنظیم شده با ابران نگرانی عمیق از افزایش بی‌سابقه موارد «نابینایی دائمی» خواستار توقف فوری استفاده از سلاح‌های ساچمه‌زن در مواجهه با اعتراضات شده‌اند. پزشکان در این سند رسمی، برخورد پرتابه‌های سرعت بالا با صورت شهروندان را از منظر علمی «غیرقابل توجیه» دانسته و بر ضرورت تشکیل کمیته‌های مستقل حقیقت‌یاب تأکید کرده‌اند.

فاجعه هزار نفری

برای درک ابعاد آنچه در بیانیه پزشکان منعکس شده باید به عقب بازگشت؛ به روزهایی که زنگ خطر در راهروهای بزرگ‌ترین مرکز چشم‌پزشکی کشور به‌صدا درآمد. چندی پیش، قاسم فخرایی، رئیس بیمارستان فوق تخصصی فارابی، در گفت‌وگو با رسانه‌های رسمی، آماری را ارائه داد که شوک بزرگی به جامعه پزشکی وارد کرد. او با اشاره به وضعیت بحرانی این مرکز در بازه زمانی ۱۸ تا ۲۲ دی ماه از مراجعه «حدود ۱۰۰۰ بیمار با پارگی کره چشم» خبر داد که همگی نیازمند مداخله جراحی اورژانسی بودند.

تحلیل روند مراجعات پس از این اظهارات نشان می‌دهد که بیمارستان فارابی عملاً به یک «بیمارستان صحرایی» تبدیل شده بود. تا پیش از هجدهم دی، میانگین آسیب‌های جدی حدود ۵۵ مورد ثبت شده بود اما از نخستین ساعات جمعه ۱۹ دی با ورود موج مجروحان ناشی از برخورد ساچمه و پینت‌بال، ظرفیت

حوادث شهری تهران است که در آن، نبود سیستم‌های اطفای حریق هوشمند و داخلی، آتش‌نشنانان را ناچار به استفاده از روش‌های پرحجم آبی می‌کند.

هشدارها؛ صدایی که شنیده نشد

اما تلخ‌ترین بخش ماجرای جنت‌آباد، نه در شعله‌های آن بلکه در اسناد بایگانی شده شورای شهر نهفته است. زهرا شمس‌احسان، رئیس کمیته اجتماعی شورا، با صراحت از «بی‌توجهی به تذکرات رسمی» پرده برداشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیش از این شورا بارها درباره وضعیت نالیمن شبکه برق، سازه‌های ناپایدار و نبود سیستم‌های استاندارد در این بازارچه به شهرداری هشدار داده بود. نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که دو سال پیش، طرحی برای تخریب این بازارچه و تبدیل آن به پارکینگ مطرح بود که به دلیل نگرانی از بیکاری ۳۵۰ خانوار متوقف شد. حالا منتقدان می‌پرسند: اگر دغدغه معیشت مانع از تخریب شد، چرا همان دغدغه منجر به ایمن‌سازی نشد؟ به‌نظر می‌رسد، بازارچه جنت قربانی یک «باتلکلفی مدیریتی» شده است؛ جایی که نه طرح نوسازی اجرا شد و نه استانداردهای ایمنی جدی گرفته شد.

وعده‌های دولتی و رویای بازگشت به کسب‌وکار

در فاصله سه روز پس از حادثه، فضای مدیریتی شهر از فاز «بحران» به فاز «حمایت» تغییر وضعیت داده است. شهردار تهران دستور اعطای وام‌های کم‌بهره‌ای را صادر کرده که قرار

است، متناسب با حجم خسارت به کسبه پرداخت شود. همچنین مدیریت شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل وعده داده که مکانی موقت برای استقرار این ۲۰۰ غرفه‌دار فراهم کند تا در آستانه شب عید، سفره معیشت آنها بیش از این کوچک نشود. با این حال تجربه حوادث مشابه مانند پلاسکو یا بازار گل محلاتی، نشان داده است که فاصله میان «وعده اسکان موقت» تا «بازگشت به شرایط عادی» می‌تواند ماه‌ها و حتی سال‌ها به طول بینجامد. برای قشر کم‌برخورداری که تمام سرمایه‌اش یک غرفه چند متری در جنت‌آباد بود هر روز تأخیر در بازسازی، یک گام نزدیک‌تر شدن به فروپاشی اقتصادی است.

پایان یک حادثه، آغاز یک پرسش

بازارچه جنت‌آباد تنها یک زمین سوخته است اما پرونده آن در افکار عمومی تازه باز شده است. گمانه‌زنی‌ها درباره علت حادثه از اتصالی برق تا فرضیه‌های غیررسمی دیگر همچنان ادامه دارد، هرچند مراجع رسمی هنوز مهر تأیید بر هیچ‌کدام نزده‌اند. آنچه فراتر از علت دقیق فنی اهمیت دارد، لزوم بازنگری در ساختار «بازارچه‌های موقت» تهران است. جنت‌آباد هشداري بود که نشان داد، نمی‌توان معیشت صدها خانوار را در سازه‌هایی که کمترین مقاومت را در برابر حوادث دارند، محبوس کرد. حال باید دید، آیا وعده ساخت بازارچهای مدرن‌تر و ایمن‌تر در همین مکان محقق خواهد شد، یا این فاجعه هم مانند پیشینیان خود، در لایه‌های فراموشی گزارش‌های اداری گم می‌شود؟

دیده می‌شوند. حضور یک راننده تاکسی یا یک زن خانه‌دار در لیست جراحی‌های اورژانسی چشم بر «کور بودن» و عدم تمایز در شلیک‌ها صحه می‌گذارد.

در این میان، واکنش‌های رسمی نیز محل نقد است. درحالی که وزارت بهداشت از رایگان بودن خدمات درمانی خبر داده، فضای سسنگین امنیتی در اطراف مراکز درمانی، پیامدی مرک‌بار به‌دنبال داشت: تأخیر برخی مصدومان در مراجعه به دلیل ترس از تبعات امنیتی، منجر به از دست رفتن «زمان طلایی» درمان و افزایش آمار تخلیه چشم شد.

همچنین سکوت محمدجعفر قائم‌پناه، جراح چشم‌پزشکی که در سال ۱۴۰۱ از منتقدان جدی این رویه بود و اکنون در مقام معاون اجرایی رئیس‌جمهور قرار دارد از سوی جامعه پزشکی به‌عنوان یک چالش اخلاقی بزرگ تلقی می‌شود. تکرار الگوی آسیب‌های سال ۱۴۰۱ در بهمن ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که هشدارهای تخصصی انجمن‌های پزشکی تاکنون نتوانسته است، تغییری در پروتکل‌های عملیاتی نیروهای امنیتی ایجاد کند.

پیامدهای بلندمدت؛ میراثی از خشم و معلولیت

نابینایی صدها جوان در رده سنی ۱۸ تا ۳۵ سال، تنها یک ضایعه پزشکی نیست بلکه یک بحران اجتماعی و اقتصادی ماندگار است. خروج این افراد از چرخه اشتغال، هزینه‌های سنگین جراحی‌های ترمیمی و پروتز و انزوای اجتماعی ناشی از تغییر چهره، پیامدهایی است که دولت‌ها در درازمدت با آن روبه‌رو خواهند بود. بیانیه چشم‌پزشکان، فراتر از یک درخواست صنفی، هشداري نسبت به میراث ماندگاری از خشم و ناتوانی است که در چشم‌های هزار شهروند ایرانی به‌جا مانده است.



گزارش ویژه

تولید ۱۷۰ هزار تن انواع محصولات درپتروشیمی آریاساسول

پوشهر: شرکت پلیمر آریاساسول در ماه آذر ۱۴۰۴ موفق شد، مبلغ فروش خود نسبت به ماه گذشته همچنین نسبت به مدت مشابه سال قبل را افزایش دهد. این شرکت با نمداد «آریا» طی ماه آذر ۱۷۰ هزار تن محصول تولید کرد و ۱۰۰ هزار تن انواع محصولات را به فروش رساند. در آخرین ماه پاییز سال ۱۴۰۴ آریا موفق به فروش ۶۰ هزار میلیارد ریال شده که نسبت به آذر ماه ۱۴۰۳ معادل ۴۳ درصد و نسبت به ماه گذشته ۲۰ درصد رشد داشته است. مبلغ فروش تجمی آریا تا پایان آذر ماه ۱۴۰۴ معادل ۴۵۴ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به دوره مشابه گذشته خود ۳۶ درصد رشد نشان می‌دهد. شرکت پلیمر آریاساسول با بهره‌مندی از امکانات روز و پیشرفته دنیا، سالانه ۱۰۰،۰۰۰ تن اتیلن در واحد الفین، ۳۷۵،۰۰۰ تن پلی اتیلن سبک (۹ گرید تحت لیسانس استامی کرپن هلند) در واحد LDPE و ۳۷۵،۰۰۰ تن پلی اتیلن متوسط و سنگین (۱۰ گرید تحت لیسانس بازل آلمان) در واحد MD/HDPE خود تولید می‌کند.

سکوی سوم قهرمانی

آذربایجان شرقی - سازندگی: موفقیت ورزشکاران شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی با کسب رتبه سوم افرادی مسابقات المپیاد ورزشی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران تداوم یافت. به گزارش خبرنگار ما از تبریز به نقل از روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی، علیرضا مستاجر از کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی، موفق به کسب مقام سوم رشته تنیس روی میز در المپیاد ورزشی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران شد. علیرضا مستاجر در رقابت های تنیس روی میز المپیاد ورزشی شرکت ملی پخش ایران که به میزبانی منطقه یزد برگزار شد با موفقیتی درخشان توانست مقام سوم قهرمانی رشته تنیس روی میز این دوره از مسابقات را به نام خود ثبت کرد.

انتخاب دانشمند قزوینی به‌عنوان داور بین‌المللی نمایشگاه جهانی اختراعات

محمودنیا - قزوین: دانشمند قزوینی به‌عنوان داور بین‌المللی نمایشگاه جهانی اختراعات انتخاب شد. دکتر ابازر کریمی، دانشمند قزوینی و متخصص هوش مصنوعی، عضو کمیسیون ملی هوش مصنوعی سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور و عضو آکادمی علوم اروپا، به‌عنوان داور بین‌المللی نمایشگاه و مسابقات جهانی اختراعات و فناوری‌های نوین در متاورس از سوی انجمن مخترعین جهان انتخاب شد. این رویداد بین‌المللی با حضور دانشمندان برجسته و نخبگان علمی از کشورهای مختلف برگزار می‌شود و یکی از معتبرترین بسترهای جهانی برای ارزیابی اختراعات، فناوری‌های پیشرفته و نوآوری‌های آینده‌محور در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، متاورس و فناوری‌های نوظهور به شمار می‌رود. انتخاب دکتر کریمی به‌عنوان داور بین‌المللی نه تنها موفقیتی فردی محسوب می‌شود بلکه نمایانگر اعتبار علمی ایران در مرزهای دانش جهانی است و نقش کشور را در زیست‌بوم فناوری‌های نوین تثبیت می‌کند. کریمی پیش از این در پروژه‌ها و پژوهش‌های متعددی در حوزه هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور فعالیت داشته و با تجربه علمی گسترده خود، سهم قابل توجهی در توسعه این حوزه در کشور ایفا کرده است. حضور او در جمع داوران بین‌المللی، بار دیگر نشان داد که سرمایه انسانی ایران با اتکا به دانش، تخصص و تجربه، توانایی ایفای نقش مؤثر در مهم‌ترین رویدادهای فناوریانه جهان را دارد و می‌تواند، اعتبار علمی کشور را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره های ۱۴۰۱۱۶۷۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۵ و ۱۱۶۷۸ هیات ا‌دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گولشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای/ سید علی حسینی فیروز آبادی فرزند بهروز دو قطعه زمین مزروعی /به مساحت های ۸۸/۱۹۸۸۷ و ۱۷۰۴/۸۱ متر مربع پلاک ۱۱۳ اصلی خریداری از مالک رسمی آقای /سید حسن حسینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۶۷۷

فرشاد نادری – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۴

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.
املاک متقاضی واقع در قریه آستانکرو د پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲ بیلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۳/۳۵۰۲
رای شماره ۱۴۰۳/۳/۳۵۰۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۵۵۰۲۹
یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری مسکونی – کشاورزی – حریم تالسیساتی راه) به مساحت ۳۴۱۴/۱۷ متر مربع خریداری بدون واسطه /با واسطه از قدیر سعیدپور
ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا یا حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
شناسه آگهی: ۲۱۰۳۳۰۲

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه نیرنگ پلاک ۲۱ اصلی بخش ۱ قشلاق کلاسه ۱۴۰۳/۳/۳۶۵۳
رای شماره ۱۴۰۳/۳/۳۶۵۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۵۰۲۹
پلاک ۱۴۰۷ فرعی آقا /خانم خدیجه تقی پور گیلانی فرزند محمد رضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۶۴/۵۰ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای کارمان خزانلی پول
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی اکثریاتانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه منضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.
شناسه آگهی: ۲۰۹۹۵۸۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابرای شماره ۸۴۱۶ و ۱۴۰۴۶۰۳۲۲۴۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه گنجی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۳۵۳۰۱۱۵۵۴۱ کد ملی ۳۵۳۰۱۱۵۵۴۱ صادره از گناوه را نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۰۷/۱۵ مترمربع درقسمتی ازپلاک ۱۳۶۱ اصلی واق در قریه مال قاند گناوه خریداری مع الواسطه از آقای فتح اله بهروزی و شرکاء محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه منضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳
محمد چهاربدار – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکناش

شناسه آگهی ۲۱۱۵۴۴۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۹۷۸۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای ابوالفضل رضائی کوهستانی فرزند عباس نسبت به سه دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۸۳۷۳۹ مترمربع بشماره پلاک ۲۲۹۶ فرعی از ۲۶- اصلی واقع در اراضی کوهستان بخش ۱۸ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیر رسمی حسین الیاسی گرچی منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۹۴۷۳۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
محمدحسن صادقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.
املاک متقاضی واقع در قریه علی آباد میر پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲ قشلاق کلاسه ۱۴۰۳/۳/۳۶۵۳
رای شماره ۱۴۰۳/۳/۳۶۵۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۵۰۲۹
پلاک ۳۳۲۲ فرعی آقای اکبر اسکافی فرزند بهزاد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین (کاربری کشاورزی) به مساحت ۱۸۰/۰۰ متر مربع خریداری بدون واسطه /با واسطه از بهزاد اسکافی
ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا یا حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
شناسه آگهی: ۲۱۰۷۵۴۵

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۱۴۰۳/۳/۳۵۸۷۲ - ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۶۰۲۵۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای /خانم محمد مشرف الدین فرزند سار – مریم نصیری فرزند خسرو هر کدام به ترتیب نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی (کاربری زراعی) به مساحت ۱۵۷/۶۹ متر مربع به پلاک ۱۶۰ فرعی ۳۰ اصلی واقع در قریه حاجی آباد بخش ۱۱ ثبت نور خریداری از آقای /خانم طهماسب عبدی وند مورد تأیید و محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه سراسری و محلی آگهی می گردد در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۰۰۷۰۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
علی سعادتى – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابرای شماره ۸۴۱۶ و ۱۴۰۴۶۰۳۲۲۴۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی نصاریان فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۱۳۷ کد ملی ۶۶۱۹۷۷۰۷۳ صادره از هندجیان را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۲۲۱/۴۱۸ مترمربع درقسمتی ازپلاک ۱۳۶۸ اصلی واقع در قریه چاهیردی گناوه خریداری مع الواسطه از آقای حسن اسماعیلی و شرکاء محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه منضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳
محمد چهاربدار – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکناش

شناسه آگهی ۲۱۱۵۴۴۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی رسمی

برابر آراء شماره های ۱۴۰۳/۳/۳۵۰۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۵ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۲۰۰۷۰۷ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۲۰۰۷۰۱۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۲۰۰۷۰۵ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۲۰۰۷۰۵
تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان گلوگاه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی بنام آقایان احسان ، محمد ،محمدارهمیم ، سجاد همگی ازگلی فرزندان امیرحسین و محمدحسین ازگلی فرزند مرتضی که سهم هر یک از مالکین مشاعی نسبت به یک ممیز دو دهم (۱/۲) دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۴۵۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۲- اصلی به شماره کلاسه های ۱۸۹،۱۸۸،۱۸۷،۱۸۶،۱۸۵،۱۴۰۲ واقع در اراضی تپله نو ، سراج محله و نصرت آباد بخش ۱۹ ثبت گلوگاه مستند مالکیت برابر مبایعه نامه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ مع الواسطه از مالک رسمی خانم شیمالوانی فرزند حسینعلی و استشهداد محلی و گزارش کارشناسان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. **شناسه آگهی: ۲۱۰۰۶۲۷**
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

جعفر رسولی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه



